

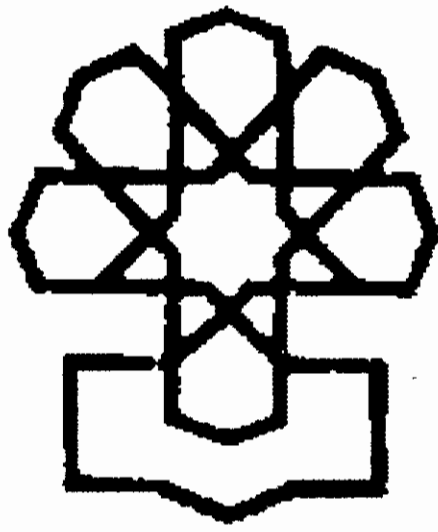
۹۱۱۲



۷۰۴۹



درباره لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم خلاصه مذاکرات کمیسیون اقتصادی (۳)



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد
شماره: ۱۴۲۷
تاریخ: ۸۰۷۷۷

کد موضوعی: ۱۷۰

شماره مسلسل: ۶۱۱۲

معاونت پژوهشی
تیر ۱۳۸۰

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی
این گزارش بنا به درخواست کمیسیون اقتصادی مجلس تهیه شده است

درباره لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم خلاصه مذاکرات کمیسیون اقتصادی (۳)

کد موضوعی: ۱۷۰

شماره مسلسل: ۶۱۱۲

مقدمه

سومین جلسه بررسی لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌های مستقیم در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۷ در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با حضور اعضای کمیته پولی مالی کمیسیون و صاحب‌نظران و کارشناسان مالیاتی برگزار شد. در مورد برگزاری جلسه سوم ۲ نظر وجود داشت. یکی این‌که قانون کنونی مالیات‌های مستقیم محور قرار گیرد و بنا به ضرورت به لایحه اصلاح موادی از قانون مالیات‌ها مراجعه شود. دوم این‌که لایحه محور قرار گیرد و به صورت موردی به قانون مراجعه شود. پس از تبادل نظر اعضای محترم کمیته پولی مالی و کارشناسان مدعو پیشنهاد دوم مورد پذیرش قرار گرفت.

آنچه در ذیل می‌آید خلاصه‌ای است از مهم‌ترین مطالب ارائه شده در جلسه کمیته پولی مالی، با این توضیح که متن مذاکرات برای سهولت و دقت مطالعه و ویرایش شده است.^۱

خلاصه مذاکرات

آقای حضرتی: قرار ما بر این بود که از این جلسه وارد مواد شویم. هم در بین مجموعه مهمانان ما و هم در بین مجموعه همکاران ۲ نظر وجود داشت. یکی این‌که مباحث را خلاصه کنیم در اصلاحیه‌ای که دولت محترم داده است. نظر دوم این بود که فرصتی تعیین شود و با محوریت قانون فعلی مالیات‌ها، کل قانون به اجمال مورد بررسی قرار گیرد و اگر درباره موادی که دولت مدنظر نداشته است، دوستان مجلس و کارشناسان ما و میهمانان، نظر یا پیشنهادی دارند، مطرح کنند. حتی درباره موادی که در قانون فعلی هم نیست.

۱. در مواردی به علت کیفیت نامناسب نوار ضبط شده، نام برخی از سخنرانان واضح نبوده که از علامت «س» استفاده شده است.

ما شروع می‌کنیم قانون مالیات‌ها را از مواد اولش به همین شکل، ماده به ماده می‌خوانیم اگر دوستان پیشنهادی داشتند، توضیح دهند.

پیشنهاد این است که روی لایحه موجود نظر داده شود و ماده به ماده جلو برویم و اگر کسانی نظراتی دارند به صورت مکتوب ارائه کنند تا مطالعه شود.

آقای خیرزاده: لایحه اصلاح قانون مالیات‌ها از ۲ قسمت اسای تشکیل شده است. یک قسمت شامل اصلاحات عبارتی است و قسمت دیگر که شامل ۱۳ ماده است اصلاحات ساختاری را در بر می‌گیرد. پیشنهاد می‌کنم اصلاحات عبارتی را واگذاریم و هم وغم خود را مصروف اصلاحات ساختاری کنیم. این ۱۳ ماده را در گزارشی که تقدیم کمیسیون اقتصادی شده است جمع آوری کرده‌ام و پیشنهاد می‌کنم همین ۱۳ ماده محور قرار گیرد.

آقای حضرتی: چون تعداد گزارشات مشابه زیاد است و احتمالاً به نظر کارشناسان محترم بخش‌هایی از لایحه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و بخش‌هایی کم‌تر اهمیت دارد، بهتر آن است که برای اتفاق نظر همان لایحه یا قانون مبنا قرار گیرد نه پیشنهادات.

آقای حسینی: روش بینابین آن است که ما مبنا را همین لایحه قرار دهیم و وقتی به یک ماده می‌رسیم، بین این ماده و ماده بعدی که در لایحه مسکوت است، اگر پیشنهادی بود درباره آن بحث می‌کنیم و اگر نبود، همان لایحه را ادامه دهیم.

آقای عزیزی: پیشنهاد من این است که پیشنهاداتی که آقایان می‌دهند جمع‌آوری شود تا وقتی که در یک نگاه بررسی می‌شود همه پیشنهادات در معرض دید باشد.

آقای حضرتی: آقای عزیزی لطفاً ماده واحده لایحه و ماده (۱) لایحه را قرائت بفرمایید.

آقای عزیزی (قرائت ماده واحده و ماده (۱)): قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۶۶ -

و اصلاحات بعدی آن به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

۱- متن زیر به عنوان تبصره به بند (۱) ماده (۲) الحاق می‌شود.

تبصره - مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌های مشمول این بند به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارتخانه یا سازمان مستقل ذی ربط با تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد.

آقای عرب مازار: در بند اول ماده ۲ قانون اشخاصی را که مشمول معافیت مالیاتی هستند و همچنین وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و دستگاه‌هایی که بودجه آن‌ها به وسیله دولت تأمین می‌شود و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها که به صورت غیر از شرکت تأسیس شده‌اند در، ذکر شده است.

در طول چند سال گذشته ۲ مسأله اتفاق افتاده است: یکی این‌که بسیاری از سازمان‌های وابسته به وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها عمدتاً وارد کارهای انتفاعی شده‌اند و وقتی که دولت به ایشان مراجعه کرده گفته‌اند ما مشمول مالیات نیستیم. مجلس در سه سال گذشته در لوایح بودجه بند «ش» و بند «ه» و اخیراً ماده ۵۸ قانون برنامه سوم، اصلاً به طور کلی این بند را حذف کرده است. از لحاظ کلی علت این است که وزارتخانه‌ها اصولاً کار انتفاعی نمی‌کنند و نکرده‌اند و ذی حساب دارند و پرداخت و دریافت شان مشخص است و اگر هم کار انتفاعی کنند یا طبق قانون است یا به هر صورت بحث انتفاع برای ایشان مطرح نیست. یعنی اگر مؤسسه‌ای که وابسته به شهرداری تهران است و دارد کار یک شرکت را انجام می‌دهد و می‌خواهد از این معافیت استفاده کند باید پیشنهادش را دقیقاً به هیأت دولت ارائه کند تا بررسی شود و با تصویب هیأت وزیران بتواند از چنین امکاناتی استفاده کند. لذا مؤسسه‌ای هم که مؤسسه ساده‌ای هستند و علی‌الاصول نباید مشمول مالیات باشند، مثل آتش نشانی، رسیدگی به این‌ها هم از لحاظ قانونی امکان‌پذیر نیست. پرونده‌ای ندارند یا وزارتخانه‌ای نیست و عملاً نمی‌توانیم رسیدگی کنیم.

آقای تقی نژاد عمران: من با اصل موضوع مخالفتی ندارم، اما با اصل ۵۱ قانون اساسی

مغایرت دارد چون معافیت‌ها را هیأت وزیران می‌دهند. بحث دوم این‌که بر فرض عدم مغایرت با قانون اساسی، دستگاه‌های اجرایی همیشه تحت فشار قرار می‌گیرند یعنی دولت، مرتب از طریق وزیر مربوطه‌ای مورد فشار قرار می‌گیرد. که این مؤسسه را جز مؤسسه‌های معاف منظور نکنید. این یک کار اضافی برای دولت است. بحث سوم این‌که آمار و ارقام دقیقی نداریم که نشان دهد اگر این معافیت‌ها حذف شود چقدر به درآمد مالیاتی دولت اضافه می‌شود. دیگر این‌که اصلاً طبق قانون محاسبات کنونی، نباید مؤسسه وابسته به دولت داشته باشیم و این‌ها باید ظرف یک مدتی می‌آمدند و خودشان را تبدیل می‌کردند به مؤسسه دولتی یا شرکت می‌شدند. بحث آخر این‌که ماده ۵۸، معافیت را از بین برده است، ولی ما دوباره قبل از انقضای ۵ سال معافیت آن‌ها را اینجا برقرار می‌کنیم. یعنی الان ماده ۵۸ قانون برنامه سوم آمده تمام این معافیت‌ها را برای یک مدت ۵ ساله لغو کرده، اگر این را تصویب کنید می‌شود مؤخر بر برنامه، یعنی غیر مستقیم خواسته‌ایم که معافیت‌ها ادامه پیدا کند.

آقای حقی: در ارتباط با ماده ۵۸، پیشنهاد ما این است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی موظف است ظرف یک سال با همکاری وزارت اقتصاد و دارایی، برحسب مورد، مجوز تأسیس و وظایف و مسئولیت‌های مؤسسات وابسته به شهرداری‌ها و دولت را بررسی نموده و نسبت به ابقا، انحلال و واگذاری آن‌ها پیشنهاد مقتضی را به هیأت دولت تسلیم نماید و آن دسته از مؤسساتی که ابقا می‌شوند از معافیت مالیاتی برخوردار شوند.

آقای عرب مازار: در ماده ۵۸ برنامه سوم، بند (۱) کلاً از ماده ۲ حذف شده است. اما علی‌الاصول بعضی از این مؤسساتی که الان هستند، نمی‌توانند اظهارنامه‌ای پر کنند چون طبق قانون باید پرونده مالیاتی داشته باشند تا اظهارنامه پر کنند و باید تکلیف اینها را روشن کنیم. در همان ماده ۲ بند ۲، قسمت‌هایی وجود دارد که با مجوز هیأت دولت معافیت داده شده است. ولی تشخیص این‌که باید مالیات بدهد بر عهده وزارت دارایی و حوزه مالیاتی است. به نظر من تعیین تکلیف این کار را هم برای وزارت اقتصاد و دارایی و هم مردم روشن‌تر می‌کند.

آقای عزیزی: (قرائن ماده (۲) لایحه) متن زیر به بند ۲ ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم اضافه می‌شود: جرایم ناشی از تأخیر در پرداخت‌های مربوط به اقساط ماهانه و حق بیمه و کسور بازنشستگی پرداختی مشترکین به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های پس‌انداز بازنشستگی، جزء فعالیت‌های اقتصادی تلقی نمی‌شود و مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود.

آقای پاریزی: در حال حاضر به موجب همین ماده ۲ سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی از مالیات معاف هستند. اما تبصره یک همین ماده ۲ می‌گوید: اگر همین اشخاصی که مشمول مالیات هم نیستند، فعالیت اقتصادی داشته باشند، فعالیت اقتصادی‌شان مشمول مالیات است. الان این شبهه وجود دارد که سازمان تأمین اجتماعی و صندوق پس‌انداز بازنشستگی، مبالغی را که بابت جرایم دیرکرد اقساطی که باید به سازمان و صندوق بازنشستگی پرداخت می‌کردند، جزء فعالیت اقتصادی تلقی می‌شود یا نه؟ این اصلاح برای رفع این شبهه بوده که جرایم ناشی از تأخیر که برای اقساط پرداخت می‌شود به این ۲ تا تشخیص حقوقی یعنی سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی، جز فعالیت‌های اقتصادی تبصره یک نیستند و مشمول مالیات نخواهند بود.

آقای غنیمی فر: همین فعالیت اقتصادی را وقتی بانک انجام می‌دهد، مشمول مالیات می‌شود. چرا فعالیت صندوق‌های تأمین اجتماعی نباید مشمول مالیات شود؟ وقتی تأخیر ایجاد می‌شود، جریمه تأخیر یک درآمد تلقی می‌شود. این مبلغی است که به عنوان جریمه است و این یک درآمد باز یافتی است و باید وقتی درآمدی برایش ایجاد می‌شود مالیات بدهد.

آقای تقی نژاد عمران: این بحث خیلی مفصلی است. در ماده ۲ قانون مصوب سال ۶۶، که معافیت‌ها ذکر شده گفته شده که این معافیت، قابل تسری به شرکت‌های سرمایه‌پذیر نیست. یعنی اگر صندوق بازنشستگی، شرکت داشته باشد، شرکتش باید مالیات بدهد و اگر یک وزارتخانه یا سازمان دولتی، شرکت داشت، باید مالیات‌اش را بدهد و بنیادها و نهادها نیز به

همین ترتیب باید مالیات بدهند. در عمل متوجه شدیم که بعضی‌ها مثلاً مدارس علوم اسلامی از پرداخت مالیات معاف بودند، یا مثلاً نهادهایی که دولت آن‌ها را نهاد تعریف کرده است. گزارش می‌رسد مثلاً یک مدرسه علوم اسلامی، یعنی نهادی که خودش معاف است، می‌رود به ۲ تا بازرگان می‌گوید شما بیایید به نام ما خرید و فروش کنید یا از پول ما استفاده نکنید درصد کمی به ما بدهید، سودش مال شما باشد. این گزارش‌هایی بود که می‌رسید. بعد بنیادها هم چون معاف بودند، خودشان رأساً آگهی‌سازی می‌کردند و ادعای بنیاد این بود که ما معاف هستیم و اصلاً شرکت را منحل می‌کنیم و بعد آن را در قالب خود بنیاد نگه می‌داریم و در نتیجه می‌توانیم از معافیت استفاده کنیم. این مسأله کشیده شد به مجلس و در مجلس سوم یک پاراگرافی به تبصره یک اضافه کردند، نوشته‌اند: نقل و انتقال اموال و حق واگذاری محل و عقد اجاره و فعالیت اقتصادی اشخاص مذکور در بند ۲ و چهار (بند ۲ همان سازمان هلال احمر و صندوق‌های بازنشستگی و صندوق عمران موقوفات و تأمین اجتماعی است. بند ۴ هم مؤسسات عام المنفعه‌ای که به ثبت می‌رسند) می‌توانند از معافیت مالیاتی استفاده کنند، که اجرایش مشکل بود چون آیین‌نامه اجرایی‌اش را باید وزارت دارایی می‌نوشت که با چند سال تأخیر نوشت. بعد این را عطف به ماسبق کردند و بعداً هم ما مشکل روبه‌رو بود. که بعدها مجلس یک قانون تصویب کرد که اگر ۹۹ درصد سهام یک شرکت مال سازمان هلال احمر باشد، مشمول مالیات نباشد و از معافیت مالیاتی استفاده کند و مسائل دیگر.

نتیجه دیگر این شد که آستان قدس رضوی در زمان حیات حضرت امام باز یک نامه‌ای نوشت که در زمان رژیم طاغوت، آستان قدس از مالیات معاف بودند، حالا در جمهوری اسلامی دارند از ما مالیات می‌گیرند و مجوزی از حضرت امام گرفتند که آستان قدس رضوی و کلیه شرکت‌هایش از مالیات معاف باشند، در صورتی که در قانون قبلی، ما برای آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و شاه‌چراغ و چندتای دیگر یک بند جداگانه داشتیم و اینها را موقوفات خاص تلقی می‌کردیم و خودشان و شرکت‌های‌شان. مشمول معافیت بودند همین آقایان فقهای عضو کمیسیون گفتند نه اینها موقوفات عام است و بعد در بند ۳ ماده ۲ فعلی ادغامش کردند و این مسأله باعث شد که بنیاد ۱۵ خرداد یک مجوز بگیرد که بدهی‌های شرکت‌هایی که به بنیاد منتقل می‌شوند، از پرداخت مالیات معاف باشد. بعد دوباره بعد از

رحلت حضرت امام از مرحوم حاج احمد آقای یک مجوز می‌گیرند که نظر امام این بود که بعد از تملک از ستاد اجرایی این بخش ۱۵ خرداد، شرکت‌های هم‌کماکان از معافیت مالیاتی استفاده کنند. یعنی به طور کلی کل شرکت‌های آستان قدس رضوی و کل شرکت‌های بنیاد ۱۵ خرداد - حتی شرکت‌های ورشکسته آنها - از شمول مالیات خارج شدند.

وقتی تبصره تصویب شد، بنیاد مستضعفان هم مشمول مالیات شد و بنیاد باز شروع به مکاتبه کرد و برای نقل و انتقال املاک و مستغلات از مقام معظم رهبری معافیت گرفت. متعاقب آن دوباره مجوزی گرفتند که مالیات کلیه شرکت‌های متعلق به بنیاد به حساب خاصی واریز شود و دوباره به خودشان برگردد و همین‌طور این مجوزها بعداً به دفتر سازمان تبلیغات اسلامی و شورای انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و بنیاد شهید و کمیته امداد امام خمینی و ۱۵ خرداد و بنیاد مسکن تسری داده شد. یعنی اکنون مالیات همه این نهادها در حساب خاصی واریز می‌شود و به غیر از یک درصد وصولی که به حساب وزارت دارایی واریز می‌شود، بقیه به خودشان برمی‌گردد.

من فکر می‌کنم اگر نرخ‌های مالیات پایین بیاید و مراجع تقلید هم کم‌کم در جریان قرار بگیرند این امکان باشد که تغییرات عمده‌ای در ماده ۲ داده می‌شود. اگر در این ماده یک تجدید نظر کلی صورت بگیرد درآمدهای مالیاتی دولت بسیار افزایش می‌یابد و بعد اگر کمیسیون بخواهد، معافیت‌های دیگری اضافه کند. آن افزایش مالیات، این را جبران می‌کند و دیگر با شورای نگهبان مشکل نخواهیم داشت.

آقای دکتر پژویان: یکی از اشکالاتی که در کل ساختار مالیاتی ما وجود دارد عدم شفافیت بعضی از تعاریف است. ما تعریف شفافی برای مالیات، عوارض، فعالیت‌های اقتصادی ارائه کالاهای عمومی و.... نداریم. فعالان با نام معاف یا مشمول مالیات شوند بلکه فعالیت آنها باید مشخص شود که فعالیتی انتفاعی یا اقتصادی غیر اقتصادی است و آنگاه براساس تعریف مالیات گرفته شود.

آقای سلامی: درباره ماده ۲ ما هم نظرمان این است که یک دگرگونی اساسی باید انجام شود و

نکاتی که اشاره فرمودند، واقعیت سیستم مالیاتی ایران است کلاً نظر ما این است. که درآمد این نهادها و سازمان‌ها نباید جنبه انتفاعی نداشته باشد تا از مالیات معاف شوند. این شامل بسیاری از مؤسسات می‌شود. فرض کنید انجمن‌ها، کانون‌ها بنیاد، اوقاف، همه اینها را می‌شود در یک بند خلاصه کرد. اصولاً چرا اینها فعالیت‌شان مشمول مالیات نیست؟ و رسیدگی هم نمی‌شود؟ نظر ما تغییر اساسی در کل ماده ۲ است.

آقای حقی: پیر و صحبت‌هایی که آقای تقی‌نژاد کردند. مشکلی که به وجود آمده است، این است که شرکت‌ها، شرکت‌های بسیار بزرگی هستند که در اقتصاد ما در رقابت با بخش خصوصی، وزن دارند و متأسفانه شرایط رقابت را برای بخش خصوصی از بین برده‌اند و از امتیازات خاصی برخوردارند. به همین جهت فشار مالیاتی روی بخش خصوصی آمده است و اینها که سهم عمده‌ای از کل صنعت بخش خصوصی دارند متأسفانه از مالیات معافند و این معافیت توجیه اقتصادی ندارد.

_____ بند (۲) لایحه، گرچه بسیار ساده به نظر می‌رسد، ولی با توجه به وجود ماده ۵۸ قانون برنامه سوم و توضیحات دوستان، به نظر من از پیچیدگی خاصی برخوردار شد. در بند ۲ نوشته شده است: جرایم ناشی از تأخیر در پرداخت‌های مربوط به اقساط ماهانه، حق بیمه، کسور بازنشستگی پرداختی مشترکین به سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های پس‌انداز جز فعالیت‌های اقتصادی تلقی نمی‌شوند. سؤال این است که آیا حق بیمه و کسور بازنشستگی می‌تواند جز فعالیت‌های اقتصادی قلمداد شود؟ عبارت جرایم ناشی از تأخیر دو پهلو است. اول باید روشن شود کدام جرایم؟ کدام اقساط؟ آیا خود این سازمان جریمه را می‌گیرد یا شرکت‌هایش؟

نکته دیگر این که اگر بخواهیم که معافیت بعضی از مؤسسات دولتی را لغو کنیم. این باید در چارچوبی باشد و معلوم شود که مالیات چه چیزی را می‌خواهیم از اینها بگیریم؟ مالیات بر درآمد؟ یا مالیات تکلیفی؟

به نظر من باید مواد (۱) و (۲) قانون مالیات‌های مستقیم را مجدداً بنویسیم و بحث کلان آن

را هم بازنگری کنیم.

آقای میرخانی: درباره مسأله رقابتی کردن اقتصاد و شفاف سازی می شود این جوری پیشنهاد کرد که تمام این نهادهایی که الان معافیت دارند، بدون استثنا، مالیات های عملیات اقتصادی - انتفاعی خودشان را بپردازند، تا بخش خصوصی بتواند با آنها رقابت کند و اگر دولت خواست به آنها کمک کند در لایحه بودجه کمک ها را در نظر بگیرد.

چرا ما معادل ۵/۸۱ درصد تولید ناخالص ملی مان را مالیات می گیریم و ترکیه ۱۹/۲ و پاکستان ۱۹/۸ درصد؟

آقای دکتر پژوهان: به نظر من تغییر بهبود این ماده یک تحول است و اول باید تعریف جامعی از فعالیت اقتصادی داده شود. هر نوع فعالیتی که منجر به تولید کالاها و خدمات خصوصی و عمومی شده و از طریق سیستم بازار عرضه شود و به تعبیر دیگر هر فعالیتی که منابع را جابه جا کند، فعالیت اقتصادی محسوب می شود؛ و سود ناشی از فعالیت اقتصادی مشمول مالیات است.

حالا اگر می خواهید برای یک سازمان دولتی درآمد ایجاد کنید، باید این را در بودجه در نظر گرفت ولی حساب فعالیت اقتصادی و مالیات آن باید شفاف شود. در این صورت معلوم می شود که این فعالیت اقتصادی، هزینه اش چقدر است و آیا کارایی دارد یا خیر؟

آقای عزیزی: در مورد بحث جریمه تأخیر بازنشستگی، خود صندوق بازنشستگی که در ابتدای امر فعالیت اقتصادی ندارد و اگر یک واحد زیر مجموعه سازمان تأمین اجتماعی یا صندوق بازنشستگی کشوری باشد و فعالیت اقتصادی کند، قطعاً مشمول مالیات خواهد بود و در مورد جرایم گفته شده فرض کنیم که این سازمان هیچ درآمد انتفاعی ندارد و دو شرکت بزرگ هم به مدت ۵ ماه آن حقوق متعلقه را پرداخت نکرده اند. سازمان هم می خواهد برای پرداخت حقوق های مستمری اش، از بانک وام بگیرد و باید بهره بدهد پس برای جبران این هزینه آن جریمه را می گیرد و این برایش فعالیت اقتصادی تلقی نمی شود.

آقای غنیمی فر: اگر بیمه‌های اجتماعی در برابر هزینه‌های ناشی از دیرکرد جریمه وضع کنند این مورد قبول است و الان آقایان ایستاده‌اند و می‌گویند که برای این مالیات بده.

آقای تقی‌نژاد: نظر من مخالفت با معافیت تأمین اجتماعی و صندوق نیست، پیشنهاد من این است که به جای این‌که به صورت موردی مشکل تأمین اجتماعی و صندوق را حل کنیم، کلاً روی ماده ۲ تجدید نظر کنیم.

ما در ماده ۲ گفتیم: اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نمی‌باشند. ۱- وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و دستگاه‌هایی که بودجه آن‌ها توسط دولت تأمین می‌شود و شهرداری‌ها، یعنی مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها را اینجا حذف کردیم بعد در بند ۲ نوشتیم جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های پس‌انداز بازنشستگی، نهادهای انقلاب اسلامی و صندوق عمران موقوفات کشور، مادامی‌که در آن صندوق صرف عمران موقوفات و تأمین هزینه‌های سازمان اوقاف و امور خیریه می‌شود و همچنین درآمد اشخاص از محل وجوه بدریه ولی فقیه خمس و زکات، این بحثی بود که قبلاً در مجلس هم شده بود و شورای نگهبان ایراد گرفته بود که اصلاح کردند. بعد گفتیم تشخیص نهادهای انقلاب اسلامی با هیأت وزیران است در بند ۳ هم گفتیم که موقوفات و ندورات آستان قدس رضوی، حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و حضرت معصومه، شاه چراغ و مدرسه شهید مطهری، مسجد امام تهران، آستان قدس حضرت امام خمینی، به طور کلی از مالیات معاف شوند ولی طبق تبصره یک مشمول مالیات می‌شوند.

بند ۴ ماده ۲ که مربوط به مؤسسات عام‌المنفعه است، گفتیم کلاً حذف شود بعد بند ۳ ماده ۲ فعلی که مربوط به موقوفات است باقی بماند. موقوفاتی که عام است و دیگر نمی‌شود از آن‌ها مالیاتی گرفت و مسائل شرعی و اینها دارد، بعد در تبصره یک ماده ۲ گفتیم که عبارت «درآمد حاصل از فعالیت اقتصادی...» تا آخر حذف شود و شرکت‌های تابعه‌اش هم مشمول مالیات نباشد، چون خودشان را معاف کردیم ولی شرکت‌هایشان مشمول هستند. بعد گفتیم برای عملی شدن این پیشنهاد، مجوز‌هایی که باید قبلاً گرفته شود و بعدش هم معافیت

مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری باید حذف شود اگر واقعاً درآمد دارند باید مالیات بدهند و اگر درآمد ندارند که هیچی. پیشنهادم این بود که در بخش معافیت‌ها، درآمد املاک، حق واگذاری کمک‌ها و هدایای دریافتی و همچنین درآمدهایی که در ازای خدمات تحصیل می‌کنند معاف و فعالیت‌های اقتصادی آنها مشمول مالیات شوند.

آقای دکتر پژویان: به نظر من هرگونه فعالیت اقتصادی مطابق قانون، مشمول مالیات است و هرگونه فعالیت غیراقتصادی دولت، از مالیات معاف است. فعالیت‌های غیراقتصادی مردم و بخش‌های خصوصی هم بحثش جدا است.

آقای عرب مازار: اگر این تعریف را بپذیریم یک سری خدمات درازای دریافت یک سری پول به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، داده می‌شود و این درآمد اگر بخواهد بیاید در سیستم مالیاتی، مشکلات عدیده‌ای در اجرا به وجود می‌آورد مگر این که تعریف جامعی داشته باشد. صحبت آقای دکتر پژویان مبنی بر این که شرکت‌های دولتی هم ارزش افزوده دارند و باید مالیات بپردازند، صحیح است ولی در اجرا خیلی مشکل است که معافیت همه را برداریم. می‌شود معافیت خود دستگاه‌های دولتی باقی بماند و معافیت شرکت‌های وابسته آنها لغو شود. در ماده یک مشخص است که چه کسانی مشمول مالیات هستند. در ماده ۲ هم اگر هدف مشخص باشد و بدانیم که چه چیز باید معاف شود، می‌توان مواد را تغییر داد.

اگر بگویید می‌خواهیم هر نوع فعالیت اقتصادی مشمول باشد. آن وقت فرض بکنید همان قسمت آخر بند یک که جناب آقای تقی‌نژاد هم پیشنهاد دادند که حذف بکنیم. طبق آن تبصره‌ای که بخش اخیرش اضافه شده به تبصره یک تقریباً همه مشمول می‌شوند.

مشکلی که الان وجود دارد خودسازمان نیست بلکه دستگاه‌های وابسته‌اش هستند، یعنی مثلاً هلال احمر معافیت مالیاتی گرفته اما کل لوازم آرایش کشور از هلال احمر وارد می‌شود! و کاری هم نمی‌توانیم بکنیم. شما اگر یک بند به این ماده اضافه کنید، کل قانون که به هم نمی‌ریزد. می‌شود آن تبصره‌ای که می‌گویید: درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی اعم از تولیدی، صنعتی، معدنی مشمول مالیات می‌باشد را به این ماده اضافه کنید و قانون هم به هم

نمی‌ریزد.

در خود بحث جرایم شبهه‌ای نیست چون برخی از حوزه‌های مالیاتی گفتند که این جرایم چیست و سازمان تأمین اجتماعی ادعا کردند که این جریمه را به جبران دیر کرد اقساط می‌گیرند.

نکته قابل توجه گسترده‌ی صندوق‌های بازنشستگی در کشور است. الان هر مؤسسه‌ای صندوق بازنشستگی درست کرده که از مالیات هم معاف است. بسیاری از سازمان‌ها و مؤسسات شرکت‌های خود را به صندوق‌های بازنشستگی خودشان فروخته‌اند تا از معافیت مالیاتی برخوردار شوند. بدین ترتیب بعضی از صندوق‌ها خیلی ثروتمند شده‌اند بعضی نه.

آقای عزیزی: من می‌خواهم یک توضیح حسابداری در مورد جرایم تأمین اجتماعی بدهم. اصلاً در بحث هزینه‌های قابل قبول، در واقع این جریمه را به عنوان هزینه قابل قبول نپذیرند. چون کلمه اقساط اینجا مشکل ایجاد می‌کند. یک توافق و یک تبانی می‌شود بین شرکت‌هایی که واگذار کردند، در واقع این شرکت‌ها به صندوق تأمین اجتماعی خاص خودشان می‌گویند که ما این کسورات تأمین اجتماعی را دو ساله برای شما قسط‌بندی می‌کنیم و به منظور این که افراد اقساط خود را به موقع پرداخت کنند این جریمه‌ها گذاشته است و اگر این‌ها جزء هزینه‌های قابل قبول پذیرفته نشود، آنگاه مشکل موجود حل می‌شود.

بند ۳ اصلاحیه: متن زیر جانشین ماده ۲۰ و تبصره‌های آن می‌شود:

ماده ۲۰- نرخ مالیات بر ارث نسبت به سهم الارث به شرح زیر می‌باشد: وراثت طبقه اول، دوم، سوم و تا مبلغ ۵۰ میلیون ریال طبقه اول را مشمول ۱۰ درصد نرخ کرده، طبقه دوم را ۲۰ درصد و طبقه سوم را ۳۵ درصد. البته در جای خودش این طبقات را تعریف کرده و معافیت را هم در قسمت خودش داده است.

آقای حضرتی: اگر دوستان توضیحی دارند بفرمایند.

— به طور کلی در مورد باب دوم مالیات بر ارث نظر من این است که مالیات بر ارث از

قانون مالیات‌های مستقیم برداشته شود. پیشنهاد ما این است که مالیات بر دارایی، مالیات سالانه املاک، مالیات مستغلات مسکونی خارجی، مالیات بر اراضی بایر، از وزارت دارایی منتزع شود و برود به شهرداری‌ها؛ یعنی کلاً از مالیات بر درآمد خارج شود چون در واقع هیچ‌کدام هم مالیات بر درآمد نیست و در همه جای دنیا هم مالیات بر املاک را شهرداری‌ها می‌گیرند. همچنین مالیات بر حق تمبر هم باید از این قانون منتزع شود زیرا مالیات مستقیم محسوب نمی‌شود.

نکته دیگر این‌که در وصول برخی از درآمدهای دولت و خرج کردنش در جاهای مخصوص، در این باب فقط به مالیات بر ارث اشاره شده که آن هم مالیات بر دارایی نیست و مالیات بر درآمد است و اگر از این دید نگریده شود درباره نرخ‌هایش هم می‌شود بیش‌تر صحبت کرد.

به هر حال نظر انجمن و مرکز پژوهش‌ها، این است که سه، چهار اصل این باب دوم که ربطی به مالیات‌های مستقیم ندارد کلاً خارج شود و فقط مالیات بر ارث باقی بماند.

— در مورد مالیات بر ارث، وزارت دارایی در اینجا ضرر کرده است، چرا که در پیشنهاد اولیه‌ای که به هیأت دولت تقدیم کردند، معافیت‌ها را برداشته بودند، یعنی معافیت مالیاتی موجودی‌های بانکی و سهام بورس را حذف کرده بودند و به جای این سقف مالیات بر ارث را از ۵۰ درصد به ۴۰ درصد تقلیل دادند. در کمیسیون اقتصادی هیأت دولت، آن معافیت‌ها دوباره ابقاء شده و در حقیقت اینجا وزارت دارایی به جای ۵۰ درصد ۴۰ درصد گیرش آمده است، ما در ماده ۲۶ همین قانون می‌بینیم که مالیات هزینه‌های برگشتی و سود تقسیم نشده شرکت‌ها را به ۵۰ درصد رسانده‌اند. این درآمدها که مشمول ۵۰ درصد مالیات شده درآمد حاصل از فعالیت است. در حالی که گیرنده ارث هیچ فعالیتی نمی‌کند و خلاصه آن که اکنون مالیات درآمد اتفاقی (ارث) ۴۰ درصد و مالیات فعالیت، هزینه‌های برگشتی، سود تقسیم نشده ۵۰ درصد می‌باشد که در جای خودش قابل بحث است.

آقای دکتر پژوهان: اول باید مشخص شود که حق تمبر جزء عوارض است یا مالیات، که طبق

تعریف، بخش عمده‌اش جزء عوارض است ولی مالیات بر دارایی غیر از عوارض یا مالیات محلی است. آن عوارض را شهرداری به خاطر خدماتی که انجام می‌دهد می‌گیرد و اخذ این مالیات که موجب توزیع ثروت بین نسل‌ها می‌شود، بر عهده دولت است.

در نتیجه به نظر من، مالیات بر نقل و انتقال دارایی یا مالیات بر ارث مشمول قوانین مالیاتی هستند. به نظر من اخذ مالیات سالانه املاک جزء وظایف شهرداری‌هاست و مالیات بر اراضی بایر و مالیات املاک مسکونی خالی هم جزء آن است.

آقای تقی‌نژاد: ما در بخش مالیات‌های مستقیم ۵ عنوان داریم: ۱- مالیات سالانه املاک؛ ۲- مالیات واحدهای مسکونی خالی؛ ۳- مالیات اراضی بایر؛ ۴- مالیات حق تمبر؛ ۵- مالیات بر ارث؛ که اینها تحت عنوان مالیات بر دارایی طبقه‌بندی شده‌اند. البته مالیات سالانه املاک و واحدهای مسکونی خالی در سال ۱۳۶۸ به آن ۳ مورد دیگر اضافه شدند.

در گذشته در لایحه دولت گفته شده بود املاکی که یک شخص در سراسر کشور در محدوده شهرها دارد، مشمول مالیات باشد و هم برای شرکت‌ها و هم برای اشخاص حقیقی یک رقمی را معاف و مازاد آن را مشمول مالیات کرده بودند. منتهی در مورد اشخاص حقیقی، بچه‌های تحت تکفل و املاک‌شان با آن‌ها جمع می‌شد. که در مجلس پیشنهاد شد که برای اشخاص حقیقی یک واحد مسکونی با هر قیمتی معاف باشد و این نظر رأی آورد و ما آنجا پیش‌بینی کردیم که دیگر هیچ وصولی از این محل نخواهیم داشت و نظر ما این بود که همه حتی مسکونی‌ها، مشمول مالیات شوند، منتهی یک حداقل بخشودگی در نظر گرفته شود. پس عملاً تمام شد. فقط چه کسی می‌تواند مشمول مالیات بشود؟ شرکت‌ها. شرکت‌ها هم که مالیات بر دارایی قابل قبول‌شان است. چون درآمدشان پایین می‌آید و مالیات بر درآمد کمتری می‌پردازند و بالاخره این بحث هم کارایی نداشت بنابراین نظر ما این است که روی معافیت‌ها و نصاب‌ها تجدید نظر کنیم مشکل دیگر، محاسبه این مالیات بود. به دلیل این‌که املاک افراد ممکن است در سراسر کشور پراکنده باشد، به همین دلیل در قانون قبلی پیش‌بینی شده بود، کسی که می‌خواهد ملکش را نقل و انتقال بدهد، مفاصاً حساب سنواتی املاک بیاورد ولی در سال ۱۳۷۱ به دلیل مشکلات اجرایی فراوان حذف شده است.

این است که الان اگر کلاً حذف بکنید مانند پاک کردن صورت مسئله است و موجب کاهش درآمد دولت می شود و با شورای نگهبان مشکل پیدا می کند. پس یا باید از آن بگذریم و وضع موجود ادامه یابد یا در آن تجدید نظر اساسی بکنیم و اگر بشود نرخ تصاعدی را به صورت یک نرخ مقطوع در آوریم و جمعش را از بین ببریم و مثلاً بگوییم که هر ملکی، در هر کجا که واقع شده، یک درصدی از قیمتش را به عنوان مالیات سالانه املاک بپردازد. مالیات واحدهای مسکونی خالی و اراضی بایر هم کاربرد چندانی ندارد و شهرداری می تواند آن را اخذ کند یا حذف شود ولی اگر بخواهید مالیات سالانه املاک را به عنوان یک منبع درآمد ببینید، لازم است که روی آن تجدید نظر اساسی بشود.

آقای عزیزی: در رابطه با بخش املاک که به جای خودش بحث می شود و فکر می کنم که وزارت دارایی هم موافق است که طوری منظور شود که سهل الوصول باشد. در رابطه با حق تمیر خواستم توضیح بدهم. در آن ماده ۴۸ قانون مالیات ها، وصول آن اصلاً وظیفه دارایی نیست و در ابتدا کسی که سرمایه اش را ثبت می کند، مکلف است در اداره ثبت شرکت ها تمیر باطل کند وقتی تمیرش را باطل کرد حوزه دیگر کاری با او ندارد ولی چون اگر در آگهی اش بنویسد این قدر حق تمیر هم باطل کردم دیگر اصلاً حوزه کاری به او ندارد و معمولاً باید جایی برای کنترل وجود داشته باشد. بهترین راهش خود حوزه مالیاتی است. ولی اگر تمیر را باطل نکرده باشد، حق تمیر را دریافت می کند.

_____ در مورد بحث املاک، نظر دولت اصلاً این نبود که تغییر یابد، این هم به علت اولویتی بود که بر بخش های دیگر قائل بودند و گفتند که این در اولویت بعدی باشد، لذا ما هیچ پیشنهادی در بخش املاک ندادیم در قانون ما گاهی یک اشاره بندی. یک قانون را به هم می زنند، بدون این که نظم مسأله اش رعایت شود. مثلاً یکجا گفتند زیر ۱۲۰ متر معاف است و یک دفعه همه چیز به هم خورد. از طرف دیگر همان مطلبی است که آقای تقی نژاد گفتند، در آن لایحه اصلی پیشنهاد این بود که کسانی که دارایی دارند، کسی که خانه ۳۰۰۰ متری در تهران دارد و خدمت دریافت می کند، بیاید نسبت به دارایی اش مالیاتی بدهد و اگر هم نیست

خلاصه دولت باید تأمین هزینه شود و یکی از راه‌هایش این است. ولی وقتی آن را حذف کردند، به اصطلاح آن بند نخ تسبیح را که ما می‌توانستیم پیدا بکنیم که اصلاً چه کسی دارایی دارد؟ از بین رفت. در نتیجه درآمدی که از اینجا استحصال می‌شد به شدت کاهش پیدا کرد. در ارتباط با مالیات بر ارث ما می‌توانیم مالیاتی را وضع بکنیم ولی باید ببینیم که اولاً اثرات اقتصادی‌اش چیست و ثانیاً آیا می‌توانیم آن را وصول بکنیم یا نه. مالیاتی مثل مالیات تعاون ملی، اثر اقتصادی‌اش را داشته اما یک ریال به دست دولت نرسیده است. در مورد مالیات بر ارث معمولاً طبقات اول مالیات‌شان کمتر است زیرا افراد در طول زندگی‌شان کاری می‌کنند و می‌خواهند چیزی که باقی می‌ماند، به فرزند خودشان برسد و اگر ببینند که دولت ۵۰، ۶۰ درصد آن را می‌گیرد، قبل از مردن، آن را تقسیم می‌کند ولی ارث برای طبقات دوم و سوم یک نوع درآمد تصادفی است و نرخش بیش‌تر است.

البته بر مالیات بر ارث ایراد عدم عدالت وارد است. ما پیشنهاد داشتیم که نسبت به تمام سهم‌الارث از هر منبعی که باشد باید شخصی بیاید. یعنی الان فرض کنید یک نفر با یک مبلغ کمی مشمول مالیات می‌شود و یک نفر دیگر با ۲۰ تا مغازه نباید مشمول بشود و این تعارض در قانون است و پیشنهادات ما عمدتاً در مورد معافیت اولیه و طبقه اول است ما سعی کردیم تقریباً ۹۰ درصد افراد جامعه که زندگی عادی دارند مشمول چنین مالیاتی نشوند.

آقای غنیمی‌فر: من پیشنهاد می‌کنم سهم‌الارث وراثت در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع و مؤسسات تولیدی صنعتی معدنی کشاورزی ساختمانی، مادامی که برداشت صورت نگرفته است، از پرداخت مالیات بر ارث معاف باشند و وقتی خواستند برداشت کنند آنگاه مالیات بدهند.

نماینده انجمن خودروسازان: اگر در واقع وراثت با هم یک شرکت سهامی درست کنند، چون باعث می‌شود که فعالیت‌های بعدی‌شان هم شفاف‌تر بشود، یک معافیتی به آن‌ها بخورد. یعنی وقتی در حال کار هستند، تقسیم‌اشکال ایجاد می‌کند، اگر به صورت شرکت بشوند یک معافیت به آن‌ها بخورد.

آقای عزیزی: من می‌خواستم یک توضیح اصلاح عبارتی بدهم درباره پیشنهاد آقای غنیمی فر در، «امادامی که ماترک تقسیم نشده» (به جای برداشت).

آقای دکتر پژوهان: چه اشکالی ایجاد می‌شود؟ ممکن است مالیات‌شان را بدهند بدون این که فعالیت اقتصادی از بین برود. یا این که بنگاه را بفروشند و یک فعال دیگری جای آن‌ها را بگیرد. چون این جهت‌گیری به خاطر از هم پاشیدن است ولی من دلیلی نمی‌بینم که اگر مالکش فوت کرد، این فعالیت اقتصادی از هم پاشد.

آقای دکتر احمدی: مادر ماده ۴۲ قانون فعلی داریم که من فکر می‌کنم جواب آقای غنیمی فر را بدهد، در صورتی که جز ماترک متوفی کارخانه یا کارگاه تولیدی باشد و ارزش سایر اموال متوفی تکافوی مالیات بر ارث متعلق به ماترک را نکند، پس از وصول مالیات از محل سایر اموال، نسبت به مازاد مالیات و همچنین درآمدی که منحصر به کارخانه یا کارگاه تولیدی باشد، وزارت اقتصاد و دارایی مکلف است در صورت تقاضای وراثت، با تقسیط مالیات در مدت مناسبی موافقت کند. قبلش هم در ماده ۴۰ داریم که در صورتی که مسئولان مالیات قادر به پرداخت قسمتی یا تمام مالیات نباشند، وزارت اقتصاد و دارایی می‌تواند با اخذ تضمین معتبر، تا مدت ۳ سال، قرار تقسیط از تاریخ قطعی شدن مالیات متعلق، بدهد. یعنی ارث هم پروسه طولانی بر قطعیت دارد. چون اولاً مرور زمان ندارد، ممکن است ۵ سال از تاریخ فوت بگذرد تا قطعی شود، ۳ سال دیگر می‌توانند تقسیط کنند و اگر کارخانه باشد، وزارت دارایی می‌تواند با تقسیط بیش‌تر از سه سال به هم موافقت کند.

آقای سلامی: در مورد مالیات بر ارث املاک متوفی براساس نرخ منطقه‌بندی محاسبه می‌شود که مالیات بر ارزش گرفته می‌شود. ولی در مورد سهام، آن قسمتی که سهام بورسی باشد نرخش مشخص است و طبق ارزش روز فوت محاسبه می‌شود و مالیاتش گرفته می‌شود. ولی در مورد سهامی که متوفیان در شرکت‌های بخش خصوصی دارند که ارزش بازارش مشخص نیست، همیشه این وراثت با یک دست‌انداز مواجه می‌شوند. پیشنهاد من

این است که مالیات بر ارث سهام شرکت‌های خصوصی هم املاک، که براساس نرخ منطقه‌بندی است، به ارزش اسمی‌اش محاسبه شود.

آقای عزیزی: طبق این تبصره، مثلاً در تهران کسی که یک واحد آپارتمان داشته باشد کلاً می‌تواند از آن ۵۰ میلیون استفاده کند، ولی اگر همین شرایط برای یک فوت شده در یک شهرستان کوچک باشد که منحصراً یک خانه به ارزش ۴ میلیون تومان داشته باشد، یک ماشین پیکان هم داشته که ممر درآمزش بوده است، این می‌شود ۲ تا. آن کلمه یا آمده یکی از این را گفته و آن دومی در واقع استفاده از معافیت را منتفی می‌کند، اگر به خاطر این که رعایت عدالت هم بشود، مجموعاً سقف یک رقمی را بگذارید، چون یک آپارتمان در تهران، شیراز و کلاً کلان شهرها می‌توانند از این سقف معافیت استفاده نکنند ولی آن که محروم‌تر به هر حال یک خانه ۱۲۱ متری در یک شهری که ۱۵۰۰۰ تومان کرایه می‌گیرد باید مالیات بدهد بعد ۱۰۰ تا آپارتمان ۱۲۰ متری ۴۰۰ هزار تومانی باید مالیات ندهد که آن هم سر جای خودش بحث می‌شود.

_____ تبصره یک و دو قانون فعلی، اینجا در هم ادغام شد، تبصره یک می‌گفت اگر ورثه مثلاً صغیر باشد یا شرایط دیگری داشته باشد، به جای ۲ میلیون معافیت بشود ۳ میلیون. تبصره ۲ می‌گوید که در وراثت طبقه دوم اگر مثلاً دانشجو باشد به جای یک میلیون بشود یک میلیون و پانصد هزار ریال که آقایان آمدند این ۲,۰۰۰,۰۰۰ را به ۳ میلیون و آن ۱,۰۰۰,۰۰۰ را به ۱,۵۰۰,۰۰۰ تغییر دادند.

تبصره ۲ ماده ۲۰ لایحه که اصلاح تبصره ۳ قانون فعلی است دارای اشکالات زیر است: (این‌ها اشکالات اجرایی است و من با اصلش موافقم):

۱- شرط افزایش میزان معافیت سهم الارث منوط به آن است که اموال متوفی منحصر به کارخانه یا آپارتمان یا یک دستگاه خودرو یا سپرده بانکی تا سقف ۵۰ میلیون ریال باشد. یعنی اگر متوفی فقط یک خانه داشت، چون حتماً در خانه مقداری هم اثاثیه وجود دارد پس نمی‌تواند از معافیت استفاده کند. یا مثلاً یک خانه و ۵۰۰ هزار ریال سپرده بانکی داشت باز هم

نمی توانست از این معافیت استفاده کند. بعد اگر در حالت عادی وراثت منحصر به عیال و یک فرزند صغیر باشند، میزان معافیت سهم الارث آن‌ها در مجموع، به ۵۰ میلیون ریال می‌رسد. یعنی ما در اینجا امتیازی به آن‌ها نداده‌ایم.

بعد در قسمت آخر تبصره ۲ ماده ۲۰ لایحه اضافه شده است که حقوق بازنشستگی و وظیفه جزء درآمد محسوب نمی‌شود. در صورتی که در ارث بحث درآمد مطرح نیست و نیازی به اضافه کردن این عبارت نبوده و در جای دیگر محدودیتی از لحاظ درآمدی وراثت پیش‌بینی نشده است.

سپرده‌های بانکی از پرداخت مالیات معاف است بنابراین مالیات به آن تعلق نمی‌گیرد تا سبب کاهش میزان سپرده گردد. در مورد محل کسب، مشخص نیست که منظور چه بوده است، ارزش حق واگذاری محل کسب در حالی که متوفی مالک عین نباشد یا محل کسب مورد مالکیت مالک که خود در آن اشتغال داشته و یا محل کسب مورد مالکیت متوفی که مستأجر داشته است؟ به همین دلیل موجب اشکال در اجرا خواهد شد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که تبصره ۳ ماده ۲۰ به شرح زیر اصلاح شود:

در تبصره ۳ ماده ۲۰ عبارت «مبلغ ۲۰ میلیون ریال» به عبارت «مبلغ ۵۰ میلیون ریال» و بعد توضیح دادم که در قانون فعلی آن ۲ میلیون به ۲۰ میلیون ریال تغییر کرد، اینجا هم گفتند، ۵۰ میلیون کم است بکنیم ۱۰۰ میلیون ریال. یعنی به جای این که بگویند یک خانه داشته باشد، تا ۱۰۰ میلیون ریال معافیت ندهیم.

در این مورد هم مثلاً یک عیال و یک فرزند هستند که فقط یک خانه دارند. جمع معافیتی که می‌توانند استفاده کنند ۵۰ میلیون ریال است. ارزش معاملاتی خانه ممکن است خیلی بیش‌تر از این‌ها باشد. می‌گوییم اینجا تا ۱۰۰ میلیون ریال یک امتیازی به‌شان داده باشیم، ماشین و سرفق‌لی و این‌ها در عمل کار بسیار مشکلی است و من فکر می‌کنم آن‌ها را اصلاً حذف بکنیم.

_____ در مورد املاک مزروعی این مسأله صدق می‌کند.

— روی قیمت اسمی اکثر شرکت‌ها، سرمایه‌ای که ثبت می‌شود با عملکرد واقعی آن‌ها تطبیق ندارد. این‌که روی عملکرد، خیلی از شرکت‌ها بعد از فوت که می‌خواهد از لحاظ اقتصادی پابرجا بماند، در اثر این بلاتکلیفی با مشکلات بسیار شدیدی مواجه می‌شود. در انجمن ما بارها و بارها این مراجعه شده عملکرد مالیاتی سه سال را یک ضربی چون در همان گردش مالی و ترازنامه، نشان می‌دهد که شرکت چه وضعیتی داشته و خیلی سریع این مشکلات نقل و انتقال و جابه‌جایی روشن بشود.

آقای حضرتی: ان شاء... در جلسات بعد بحث را ادامه می‌دهیم.